

The mechanism of using interrogation tools in the legal and political system of Iraq

Haider Abdullah Jabr al-Jaifari¹ Received: 8 December 2023

Mahmoud Ashrafi Mahabadi² Reception: 14 February 2023

Bassem Jamil Al Mousavi³

Masoud Heydari⁴

Abstract:

Interrogation as one of the stages of criminal investigation to discover the truth and in order to deal with personal claims or prove criminal offenses has a long history. In fact, interrogation is one of the main methods of judicial investigation in order to prevent the accused from denying or recognizing him, which is used by the judicial or law enforcement authorities to obtain evidence or to discover the truth. Therefore, in today's world, the benefit and use of interrogators based on science and knowledge, in the shadow of attending various special and specialized training courses, can have an influential and major role in the judicial cases of countries. Therefore, due to the significant advances in the field of science and technology, these authorities use new scientific methods to discover the truth can have an influential and major role in the judicial cases of countries. Therefore, due to the

1 PhD student in criminal law and criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2 Assistant Professor of the Department of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3 Assistant Professor, Department of Law, Wasit University, Iraq

4 Associate Professor of Law Department, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2024.477763.1075>

ساز و کار استفاده از ابزارهای بازجویی در نظام حقوقی و سیاسی عراق

حیدر عبدالله جبر الجعیفری^۱ تاریخ دریافت: ۱۷/۰۹/۱۴۰۲

محمود اشرفی مهابادی^{۲*} تاریخ پذیرش: ۲۵/۱۱/۱۴۰۲

باسم جمیل الموسوی^۳

مسعود حیدری^۴

چکیده:

بازجویی به عنوان یکی از مراحل تحقیقات جنایی برای رسیدن به کشف حقیقت و در راستای رسیدگی به دعاوی شخصی و یا اثبات جرائم کیفری از قدمت بسیاری برخوردار است. در حقیقت بازجویی یکی از روش‌های اصلی تحقیقات قضایی به منظور جلوگیری از انکار متهم و یا شناخت او است که به وسیله‌ی مقام قضایی یا انتظامی برای دستیابی به شواهد و یا رسیدن به کشف حقیقت مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو در دنیای امروز بهره‌مندی و استفاده از بازجوهای متکی به علم و دانش، در سایه‌ی حضور در دوره‌های آموزشی ویژه مختلف و تخصصی می‌تواند نقش تاثیرگذار و عمده‌ای در پرونده‌های قضایی کشورها داشته باشد. بنابراین و با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه‌ی علوم و تکنولوژی، این مقامات از روش‌های علمی جدیدی برای کشف حقیقت استفاده می‌کنند.

واژگان کلیدی: بازجویی، اعتراف، علم و تکنولوژی، قوه قضاییه، مقام قضایی

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران*

^۳ استادیار گروه حقوق، دانشگاه واسط، عراق

^۴ دانشیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مقدمه

ابزار و روشهای سنتی، ابزارها و روشهای مادی یا اخلاقی است که بسیار بوده و متنوع است. از جمله آنها روشها و ابزارهای است که معطوف به جسم قربانی است و برخی از آنها هم روحی است که به هدف تحقیر روحی استفاده میشود. شکنجه جسمی مانند کشیدن دندان یا ناخن یا استفاده از باتوم یا شلاق یا فرو کردن سردر آب جوش یا آب سرد، اخته کردن، مثله کردن صورت و قسمت های قابل مشاهده بدن، سلاخی کردن پوست، گرسنگی یا اجبار به پرخوری، کشیدن یا لگدمال کردن، آویزان کردن با طناب در موقعیت های ناراحت کننده و شوکهای الکتریکی از شایعترین این روشها است.

چه بسا تجاوز به یک انسان به تجاوز و تعدی به سلامت جسمی و ذهنی وی محدود نباشد و نتیجه ای وخیم تر از آسیب حادث شود و آن مرگ قربانی در نتیجه این شکنجه است که در این حالت فقه و قانون جزائی در بیان مبنای مسئولیت مجرم اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را بر اساس قصد و نیت تجاوزکار توجیه کرده اند، چرا که متجاوز در صدد تحقق یک نتیجه مجرمانه ساده است، اما موضوع فراتر از آن شده، بنابراین نتیجه شدیدتری حاصل می شود، یعنی اینکه وی می خواسته از طریق شکنجه، به قربانی آسیب جزئی برساند و بایستی پیش بینی می کرد که این عمل او ممکن است به مرگ متهم منجر شود، و در صورتی که این پیش بینی را نمی داشت، او مقصر است، و اگر مرتکب جرم باعث درد یا رنج شدید برای یک یا چند شخصی که در بازداشت و در اختیار وی هستند یا اینکه آن درد و آن رنج ناشی از مجازاتهای مشروع و قانونی یا ملازم و یا تابع آن نباشد، جرم شکنجه به جنایت علیه بشریت ارتقا می یابد.

نظام فقهی برای حق سلامت جسم به عنوان منفعتی عمومی که در چارچوب عمومی حمایت جنائی قرار میگیرد، سه عنصر را مشخص کرده است که عبارتند از: ۱- حق انسان بر حفظ تمامیت جسمی، ۲- حق انسان برای حفظ سطح سلامت ۳- حق انسان برای عدم متعرض شدن به دردهای جسمی و روحی.. از کلیت این سه حق، حق سلامت جسم شکل میگیرد و براین اساس حق سلامت جسمی و حق حیات با هم پیوند خورده و ادغام می شوند و نه تنها تشخیص آنها از نظر عملی دشوار بلکه ممکن است اولی بر دومی از حیث اهمیت حمایت جنایی ارجحیت داشته باشد. چرا

که حق حیات جز با تعرض به تمامیت بدن، دچار خدشه نمیشود و بنابراین، این حمایت ضرورتی لازم برای حمایت از حق حیات انسان است. جهت حفظ حقوق و آزادی های افراد و عدم محدودیت یا نقض آنها بر اساس ادله غیرقانونی، ما ملزم به تبیین ماهیت قانونی بودن دلیل یا عادلانه بودن آیین های دادرسی کیفری هستیم، و از آنجایی که از یک منبع استخراج نشده است، انجام این کار هم آسان نیست، همانطور که قوانین اجرایی تمایلی به تصریح صریح آن نیستند.

اعتراف عبارت است از اقرار قضایی یا غیرقضایی که به عنوان دلیلی برای اقناع شخص محسوب میشود - و مانند دیگر دلایل اثبات، در ارزیابی ارزش و اعتبار آن، تابع اصل اعتقاد وجدانی قاضی مربوطه بوده، و اختیار آن را دارد که با لحاظ شرایط پیرامونی، میزان صدقیت این اعتراف را مورد ارزیابی قرار داده و هر آنچه را که وی منطبق بر واقعیت و حقیقت ببیند، استفاده کرده و تا زمانیکه صرفاً نتیجه متقاعد شدن شخصی اش بوده و آنچه را که از اعترافات برداشت کرده است، واقعیت مجرمانه را ثابت می کند و آن را به متهم نسبت می دهد و چنانچه مواردی از اعترافات را در هر مرحله از بازجویی استفاده کند، حتی اگر متهم در جلسه محاکمه از آنها بازگردد و منکر آن شود، یا بخشی از آن را بپذیرد و قسمت دیگر را رها کند، هیچ مسئولیتی بر وی مترتب نمیشود.

اعتراف بلید با اراده آزاد و بدون تحت تاثیر قرار گرفتن از وعده، ارباب یا خشونت، یا هر ابزار غیرقانونی دیگری که اراده را تضعیف یا از بین ببرد، باشد و اعترافات ناشی از آن به دور از فریب حقیقت خواهد بود. اعترافات بایستی به دور از خشونت و ارباب و بدون استعمال ابزارهای غیر قانونی و مشابه که اراده را تضعیف یا از بین میبرد، باشد و شرط، آن است که اقرار از روی اختیار بوده و تحت تأثیر اجبار، تهدید و ارباب و یا وعده و وعید نباشد. اعترافی که به واسطه استفاده از خشونت گرفته شود، اعترافی غیر قانونی بوده و بایستی اعترافات متهم به شکلی درست بوده و متهم متعرض خشونت فیزیکی و روحی نشود. (کی نیا، ۱۳۹۲: ۶۴)

استفاده از دستگاه دروغ سنج

شش نگار: دستگاهی است برای اندازه گیری و ثبت حرکات منفی... اگر راست بگوید تنفس طبیعی است والا دچار اختلال و بی نظمی می شود.

نبض نگار: وسیله‌ای الکتریکی است که فشار خون و تنفس فرد را در حالت آرامش و یا بروز تغییرات می‌سنجد.

روان‌نادر (گالوانو): دستگاهی است که شدت تعرق در پوست را در حین بازجویی اندازه‌گیری می‌کند.

معروف‌ترین این دستگاه‌ها برکلی - لارسون در آمریکا برای استخدام کارمند و سنجش پرسنل مورد استفاده بوده است. (ابوطالبی، ۱۳۸۵، ۱۴۴) اما چون اولاً ممکن است افراد راستگو نیز دچار ترس شوند و علائم خیلی درست نباشد، ثانیاً افراد دروغ‌گو نیز به علت مهارت، علائمی از خود نشان ندهند، ثالثاً علائم فقط قرینه بوده و ارزیابی بستگی به استنباط قاضی دارد، لذا هیچ‌کدام از آن‌ها، از لحاظ حقوقی دلیل قطعی نیست. (آقابابایی و احمدی ناطور، ۱۳۹۱: ۱۲)

دروغ‌سنجی با داروی خواب‌آور نارکو آنالیز (تحلیل تجدیدی) نیز انجام می‌شود.

خودآگاه شخصی، بعد از تزریق دارو، موقتاً از فعالیت باز می‌ماند و قدرت خلاقه و ابداعی ذهن او، فاقد نقش می‌شود و شخص در نیمه خودآگاه خود سیر کرده و تمام حقایق را می‌گوید.

داروهایی مانند توتال سودیوم، اسکوپولامین و غیره نیز در این موارد به کار می‌رود.

این روش امروزه ممنوع است. چون بر اساس اسناد بین‌المللی و مقررات اکثر کشورها، به هیچ وجه نباید به صورت اجباری و غیر ارادی شخصی را وادار به شهادت علیه خود کرد، ضمن آنکه همیشه امکان نادرستی نتیجه نیز وجود دارد. (تنبر، ۲۰۱۹: ۵۵)

روش تداعی

فرد یا شنیدن، دیدن کلمات، عکس‌ها تصاویر و عکس‌العمل نشان می‌دهد. بازجو با ملاحظه واکنش فرد در مقابل کلمات، تصاویر و این‌که کند است یا تند، مکث می‌کند یا به سرعت می‌گذرد... یا این‌که فرد در مقابل چه محرک‌هایی حساس است و چه سوالاتی او را دچار واکنش غیرعادی می‌کند می‌تولند از راستگویی و دروغ‌گویی فرد اطلاع یابند. این روش نیز ارزش نسبی دارد. به هر حال این روش از بقیه روش‌ها مناسب‌تر و با ضوابط هماهنگ‌تر است. (الهداد و همکاران، ۲۰۱۹: ۴۰)

اصولاً در تمام موارد بالا تعبیر و تفسیر و استخراج پیام مستلزم تجربه، تخصص و دقت کافی می‌باشد. هر چند ممکن است از متخصص نیز

استفاده گردد. هر چند قاضی تحقیق باید خود به نوعی از دانش روان‌شناسی مسلط باشد ولی ضرورت دارد که در موارد مهم و متهمین دارای شخصیت پیچیده، از روان‌شناس مجرب استفاده کند. آنچه مسلم است؛ در غیر موارد استفاده از اذیت و شکنجه و یا فشار روحی و روانی و یا جسمی برای اخذ اقرار و اعتراف، توانایی و بصیرت و بینش و تجربه قاضی است که می‌تواند با بهره‌برداری از روش‌های روان‌شناختی که به برخی از آن‌ها اشاره شد متهم و یا شاهد را از مسیر نادرست و دروغ‌گویی باز دارد. (کرو، ۲۰۱۹: ۲۰)

در نهایت، باید اذعان داشت: استنطاق فنی است که اگر درست انجام شود تبدیل به هنر می‌گردد و اگر از روش‌های نادرست در تحصیل اطلاعات بهره‌گیری شود، طبعاً فرایند دادرسی از طریق عدالت و انصاف به بیراهه کشانده خواهد شد.

حق اعتراض به جریان رسیدگی

از دیدگاه حقوق مقایسه‌ای، متهم در مورد تصمیم‌ها و اقدام‌های بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی به دو شکل می‌تواند عمل کند: اعتراض به این تصمیم‌ها و اقدام‌ها و درخواست بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی گفتنی است که قانون‌گذار درخواست انجام برخی از تحقیقات از سوی طرف‌های دعوا را در مرحله رسیدگی هرگاه متهم با مدعی خصوصی تقاضا کند از شخص یا اشخاصی که در دادگاه، پذیرفته است.

هیپنوتیزم (خواب مصنوعی)

در زمان‌های اخیر اندیشه بکارگیری روش هیپنوتیزم در کشف قضایای جنائی شایع شد، هیپنوتیزم این‌طور تعریف می‌شود که آن "حالت خواب غیر طبیعی است که انسان با روش‌های مختلفی تحت تأثیر آن قرار گیرد و در اثر آن، ضمیر خود آگاه شخص به میزان‌های مختلفی که از شخصی به شخص دیگر متفاوت است و بستگی به میزان تسلیم فرد دارد، پوشانده می‌شود." (صادق‌الملا، ۱۹۹۹: ۱۷۰) از خلال این وسیله ذات آگاهی فرد بر شخصی که تابع و تسلیم او است، پوشیده می‌ماند و من ناهوشیار تحت سیطره و کنترل شخصی که اقدام به این کار کرده می‌باشد یعنی شخصی که به خواب رفته (خوابیده) تابع و تسلیم اراده‌ی کسی است که او را به خواب برده (خواباننده) و آنچه را که بر او وحی می‌شود را اظهار می‌کند. از خلال آن چارچوب ارتباط بیرونی خوابیده کم می‌شود و عقلش ضعیف می‌گردد،

خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) پدیده‌ای پیچیده است و آن پدیده مقدار و کیفیت (کم و کیف) است و همه افراد را نمی‌شود هیپنوتیزم کرد، همان گونه که برخی درجه خوابشان کمتر است و برخی دیگر ممکن است درجه خوابشان عمیق‌تر باشد و میزان و مقدار متفاوتی داشته باشد. و در آن هیچ نشانه‌ای نیست که دلالت بر این کند که شخص در حالت هیپنوتیزم (خواب مصنوعی) است که شخص منوم (مولد) خواب مصنوعی یا خواباننده به کشیدن همه اطلاعات شخص خوابیده (تسلیم خواب) می‌پردازد و آن از ابزار اجبار به حساب می‌آید زیرا که بر آزادی اجباری در دستگاه عصبی و حسی تأثیر می‌گذارد لذا چیزی که از آن منتج و استنباط می‌شود ارزش قانونی ندارد این روش از ناحیه علمی در زمینه ادله و شواهد جنایی موفق نبوده است، زیرا که این اجرا در بسیاری از کشورهای جهان با مخالفت شدید رو به رو شده و مورد قبول واقع نشده است، و در فرانسه تحقیق و بررسی از قاضی (Julie) در اثنای اقدامش به اجرای آن پس گرفته شده است وقتی که معتقد بر این بوده که باید به خواب مصنوعی متوسل شود تا به شناخت متهم حقیقی در قضیه مجهول و ناشناخته برسد (السعد المنیع، ۱۹۹۲: ۲۰۳). همچنین در رابطه با ایالات متحده آمریکا علی‌رغم انتشار خواب مصنوعی در آنجا، فقه با قبول آن در قضایای جنایی برای دستیابی به اعتراف متهم مخالف است و آن را مخالف با اصل اتهام نفس روان و مجرم دانستن روان می‌داند، و آن به جهت عدم سالم بودن اراده‌ی شخص تحت تأثیر منوم (خواب‌آور یا مولد خواب مصنوعی) است، زیرا که متهم در حالت خواب مغناطیسی تنها آنچه که از دیدگاه خاص خود، معتقد است که حقیقت است را روایت می‌کند. بدون اینکه به واقعیت حلت دقت کند. (عباس الساعدی، ۲۰۰۸: ۱۳۸)

حق ساکت ماندن یا امتناع از جواب دادن یکی از حقوق افراد است که در تمام فرایند دادرسی کیفری امتداد دارد و این چیزی است که اسناد بین‌المللی بر حمایت از آن تلاش کرده‌اند. علی‌رغم این که بیشتر آن به شکل صریح و آشکار نوشته نشده اما به متهم به شکل ضمنی داده شده است. و این چیزی است که ها آن را در کنوانسیون اروپایی ملاحظه می‌کنیم. حق سکوت در هیچ یک از مراحل رسیدگی از اصل برائت جدا نشده و ضمانتی مهم با هدف عدم اجبار به اقرار به گناه یا شهادت علیه خود می‌باشد اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در ماده‌ی (۱۱) فقره (۱) از آن به حق سکوت به شکل غیر مستقیم پرداخته است. در این رابطه با میثاق

بین‌المللی مدنی و سیاسی حقوق بشر در ماده (۱۴) در بند (۳) ذکر کرده "متهم نباید مجبور به شهادت بر علیه خود یا اعتراف به گناه شود."^{۳۶۴} کمیته حقوق بشر در سازمان ملل نیز گرچه حق سکوت را به شکل صریح تصویب نکرده است اما اصول و مبادی بیان کرده که زیرا مبنای حق سکوت به شمار می‌آیند. از جمله (۱) قرار دادن شخص دستگیر شده یا زندانی تحت اجبار مادی و معنوی یا بازجویی‌های طولانی یا هیپنوتیزم (خواب مصنوعی) جایز نیست. همان طور که دادن محلول‌های بی‌هوش کننده یا هر ماده‌ی دیگری که در رفتار آزادانه‌اش خلل ایجاد کند یا در حافظه یا قدرت تشخیصش تأثیر گذارد جایز نیست. (۲) هر اقرار و اعترافی که از متهم صادر می‌شود و تحصیل دستیابی به آن اقرار به واسطه یکی از ابزار بیان شده در بند گذشته صورت گرفته باشد غیر قابل قبول خواهد بود و نیز هر جزئی از ادله اثبات که بر چنین اقراری مترتب می‌شود ارائه آن به عنوان ادله‌ای بر علیه او در اثنای هیچ محاکمه‌ای جایز نیست. (عبدالحق، ۲۰۱۴، ۲۱۱)

مطابق با اسناد بین‌المللی فوق، ملاحظه نماییم که حق متهم در سکوت، به مرحله‌ی معینی از مراحل محاکمه‌ی کیفری اختصاص ندارد بلکه همه‌ی مراحل آن را در برگیرد، و در هنگام مربوط بودن مساله به تحقیق ابتدائی، آن، وظیفه‌ی دادستان کل است، آن هنگام که در ادله اتهام تحقیق و جستجو نماید و شروط دستیابی به این ادله را از خلال عدم برگرفتن سخنان متهم از طریق نقض حقوقش با هدف و غرض این که خودش را به جرمی متهم نماید، در نظر بگیرد، و این آن چیزی است که آن را در برخی کنفرانس‌های بین‌المللی که بر ضرورت بیان حق سکوت در هنگام تحقیق با متهم تأکید نمود، می‌یابیم، و این، چیزی است که کمیسیون بین‌المللی مسائل جنائی و کیفری که در برلین در سال ۱۹۳۹ تشکیل شده، بدان سفارش و توصیه نمود، و به گونه‌ای که به این نتیجه دست یافت: "مطلوب است که قوانین با وضوح و روشنی اصل عدم ملزم داشتن شخص به اتهام خودش بیان شود، و در حالتی که متهم از پاسخ دادن به سوالاتی که از او پرسیده می‌شود، امتناع ورزد، برخورد و رفتارش، موضع برآورد دادگاه است علاوه بر باقی ادله‌ای که فراهم و جمع آوری شده است." (فوکس، ۲۰۰۸، ۳۶۴)

ششمین کنفرانس بین‌المللی قانون مجازات که در روم در سال ۱۹۵۳ تشکیل شده، بر حق سکوت سفارش نمود، به گونه‌ای که مبتنی بر این

است: "متهم بر پاسخگویی مجبور نشود و او در انتخاب راهی که طی می نماید، آزاد است و آن را بعنوان منفعتش می بیند." و نیز برخی از کنفرانس های منطقه ای صراحتاً بر حق متهم در سکوت، تأکید نمودند، و از آن جمله کنفرانس بین المللی است که مجمع و انجمن بین المللی حقوق دانان در آتن در ماه ژوئن سال ۱۹۵۵ آن را تشکیل داد، و در آن به حق متهم در سکوت پرداخت، و کمیسیون حقوق بشر، سازمان ملل متحد در ۵ / ژانویه / ۱۹۶۲ چنین سفارش نمود "کسی بر شهادت و گواهی بر علیه خودش وادار نباشد، و قبل از سوال یا بازپرسی هر شخص دستگیر شده یا حبس شده، واجب و لازم است که به حقش در تعهد و پایبندی به سکوت آگاه شود" همان گونه که در سفارش ها و توصیه های کنفرانس بین المللی که مجمع بین المللی قانون مجازات در شهر هامبورگ آلمان غربی سال ۱۹۷۹ آن را تشکیل داد، چنین آمده است: "تعهد و پایبندی به سکوت حق مقرر و قانونی برای هر متهم در جرمی از جرائم مذکور در قانون مجازات هاست، و واجب و لازم است که متهم از آن آگاه شود" (ابراهیم الفقی، ۲۰۰۸، ۲۰۳)

سبب و علت عدم ذکر حق سکوت، به صورت صریح و آشکار در اغلب قراردادهای بین المللی یعنی ضمناً بیان شده، مربوط به تطبیق دادن قواعد و قوانین حقوقی و راه های فردی و شخصی تفسیر است و نیز نظام بین المللی حقوق بشر، حق سکوت را تعیین و مشخص نموده است و نیز عدم ارتباط نظام های دیگر و به خصوص منشور بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در رابطه با این حق. و منشور بین المللی حقوق مدنی و سیاسی خواستار کاهش خطراتی شد که هر کس که این حق را برپا می دارد با آن روبرو شود، و آن در سطح و عرصه ی قوانین اجرائی است و منشور چنین شرح و توضیح داد که حق یافت نشود، به گونه ای که اجبار باشد یا آن که حق، معروف و شناخته شده نیست. ماده ۱۴ - ۳ و این ماده، نوعی از عدالت را شکل دهد و نیز ماده ی (۶) از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، از حفظ حقوق بشر و حمایت از آن سخن گفت همان گونه که دادگاه عدالت اروپا ملاحظه نمود که تحقیق، لازم است بین منافع متهمان موازنه ایجاد نماید، و با این وجود، حکم دادگاه و قرارداد و موافقتنامه اروپایی، متضمن حفظ و پشتیبانی نباشد در این خصوص که متهم، بر علیه خودش شهادت و گواهی دهد. (کاستان، ۲۰۰۴: ۱۵۶)

نبود متن و مضمون صریح حق متهم در سکوت در اغلب اسناد بین‌المللی موجب نشده که دادگاه اروپایی حقوق بشر آن را نادیده بگیرد بکه دادگاه اروپایی از حق متهم در سکوت بر اساس قرینه‌ی براءت حمایت نموده است به گونه‌ای که در یکی از پرونده‌هایش نظر داد زمانی که مردی به دلیل امتناع از ارائه مدارک به مأموران گمرک مورد تعقیب قرار گرفت، این تعقیب "تلاشی برای اجبار متهم به ارائه مدارک مربوط به جرمی که متهم به ارتکاب آن بوده را ایجاد کرد" و این، نقض بر حق هر فرد متهم به جرم کیفری است در اینکه حق سکوت دارد و در خود متهم سازی، مشارکت نمی‌کند. همچنین کمیته حقوق بشر اعتقاد دارد به این که واجب و لازم است که دلیل حاصل از متهم، بر طبق روش‌هایی که قانون آن را ترسیم نموده است، باشد، و شامل هر نوع از انواع اجبار یا انزجار نباشد، و هر اقراری بر آن از طریق اکراه و انزجار، باید به طور سیستماتیک و بنفسه باشد و از اقدامات مربوط به محاکمه خارج شود (هاگان، ۲۰۱۰: ۱۶۱) و نیز در ماده‌ی (۵۵) بند (۲) از اساسنامه‌ی دادگاه کیفری بین‌المللی چنین آمده است: "سکوت شخص در تعیین مجرم یا بی‌گناه بودنش ملاحظه نمی‌شود،" بنابراین واجب و لازم است که این حق در مرحله‌ی تحقیقات اجرا شود و فقط اختصاص به مرحله‌ی محاکمه ندارد، و بر شعب تحقیق لازم است که سکوت شخص را به عنوان دلیل مجرم بودنش یا براءتش به شمار نیاورد، و ملاحظه شود که عبارت یا "بی‌گناه" در ماده ۵۵ بند ۲، انگیزه‌ی ای از ذکر آن عبارت نباشد و براءت به اثبات نیاز ندارد، تا این که به سکوت متهم تکیه نماید. (ورپشتی، ۱۳۹۰: ۲۰۹)

مبنای ادله و حق آگاهی

حق متهم است که آگاهی کامل از جرمی که بدلیل ارتکاب آن بازجویی می‌شود داشته باشد و قوانین بین‌المللی و اصول حقوق بشر بر این حق تأکید کرده‌اند. این مرحله ابتدای مرحله بازجویی است. لازم است فرآیند بازجویی و دادگاهی کردن به شیوه قانونی و عادلانه شروع شده و انجام گیرد. ابتدا متهم از اتهامش و مدارک مجرم بودنش آگاه می‌شود. آگاهی از جرم ارتکابی بر مسئول بازجویی (بازجو) لازم است. بازداشت متهم بدون آگاهی از جرم ارتکابی ظلم و پایمال کردن حقوق اساسی است. آگاه کردن به این دلیل است تا عادلانه با متهم برخورد شود و آزادی متهم محترم شمرده شود. متهم بهتر بتواند برای دفاع از خود آماده شود و مدارک بی‌گناه بودن خود را برای دادگاه آشکار کند. اگر نیاز داشت با وکیل ارتباط برقرار

نموده و موضوع اتهام را با وکیل خود در میان بگذارد، به طور حقیقی و واقعی از خود دفاع کند. بتواند درخواست آزادی دهد یا بتواند به حکم بازداشت و دستگیری خود اعتراض نماید. (احمد العبادی، ۲۰۰۸: ۱۳۵)

بیانیه‌های حقوق بشر و اصول بین‌المللی مختص به حقوق متهم از این حق برای هر شخصی که مورد بازجویی قرار گیرد بحث نموده‌اند و لازم دانسته‌اند از ابتدای احضار آنها برای بازجویی، فوراً در مورد اتهامی که بخاطر آن بازجویی می‌شوند آگاهی داده شود. این حقوق در چند قانون مجازات عراق آمده است.

رابطه حق اطلاع متهم و برابری سلاح‌ها

آگاه کردن متهم از جرم ارتكابی و بلافاصله اطلاع دادن آن به بخش بازجویی دلایل زیادی دارد مشخص‌ترین آن‌ها، حق از اصل برلث و برابری بین طرفین دعوا (برابری سلاح‌ها) و یکسان کردن (قدرت) متهم و متشاکی است. مدعی العموم نماینده مردم است و نهاد فعال و قدرتمندی در پرو سه دادگاهی کردن حامی آن می‌باشد و قدرت و نیروی متشاکی با قدرت و نیروی متهم برابر نمی‌باشد به همین دلیل لازم است مجموعه حقوقی که متهم داده شده تا با یکسانی و برابری بین طرفین دعوا ایجاد کرد. آگاهی کردن متهم به جرم ارتكابی یکسان و فرصت داده به متهم هست تا بتواند از خود دفاع کرده و با وکیل ارتباط برقرار نموده تا راه چاره‌ای از وکیل خود دریافت نماید. برابر نمودن متهم و متشاکی به معنی کسان نمودن طرفین دعوا (متهم و مدعی العموم) در برابر قانون و دادگاه از هر لحاظ می‌باشد این اصل برابری اصلاح «تساوی سلاح‌ها» نامیده می‌شود. (احمدزاده، ۱۳۸۹: ۸۴) این یکسان سازی در قوانین بین‌المللی و اصول حقوق بشر و اصول دادگاهی کردن عادلانه بیان شده است. همچنین قوانین داخلی بسیاری از کشورها در مورد آن بحث نموده‌اند. در این اصل هر دو طرفین دعوی متهم و مدعی العموم مثل هم در نظر گرفته می‌شوند و مدارک آنها بررسی شده و مدت زمان مشخصی برای اثبات ادعا به آنها داده می‌شود مانند آگاه کردن متهم از جرم ارتكابی که به او فرصت دفاع از خود و آگاهی از اسناد. برابری سلاح‌ها از ابتدای بازجویی تا صدور حکم نهایی و دادن اعتراض به حکم صادر و دادرسی مجدد در دادگاه‌های عالی‌تر ادامه می‌یابد. (محمود مصطفی، ۱۹۷۶، ۴۲۵) در ماده ۴ قانون اساسی بیان شده است: «مردم عراق در برابر قانون یکسانند و به هیچ عنوان نباید میان آنها تمایزی قائل شد.» (نجیب حسنی، ۱۹۹۵: ۱۰۳)

در ماده ۱۹-۱ قانون دادگاه عالی مجازات عراق مقرر شده است: «تمام اشخاص در برابر قانون یکسان می‌باشند.»

در قانون مجازات عراق این اصطلاح را «تساوی سلاح» نامیده است اما معنی این اصل تحت عنوان یکسان سازی طرفین دعوا در برابر قانون و دادگاه آمده است. برای این اصل به دو اجرائیه زیر اشاره می‌شود:

یکم: اجازه دادگاهی کردن متهم بدون حضور ایشان در جلسات دادگاه داده نمی‌شود و این امر طبق ماده ۱۴۵ ق اصول محاکمات عراق می‌باشد که مقرر می‌دارد: «لازم است متهم در فرآیند دادگاهی کردن حضور داشته باشد و اجازه حضور وکیل متهم بجای او داده نمی‌شود. اما اگر ابتدای دادرسی با غیبت متهم شروع شده باشد در این هنگام حضور متهم ضروری نیست و دادگاه بدون حضور متهم (دادگاه غیابی) برگزار می‌شود.» در دادگاه غیابی اگر حکم اعدام، حبس دائم و حبس موقت صادر شده باشد لازم است هر زمانی که متهم دستگیر شد و یا خود را تحویل قانون داد فرآیند دادگاهی کردن طبق ماده ۲۷۴ همان قانون از اول شروع شود. در این مورد، دادگاه تجدید نظر در حکمی بیان می‌داد: «هر زمانی شخصی متهم به مجازات اعدام، حبس ابد یا حبس موقت دستگیر شد و یا خود را تحویل قانون داد لازم است مجدداً دادگاهی شود هرچند به حکم صادر شده اعتراضی نداشته باشد.» (فوزیه عبد الستار، ۱۹۸۶: ۱۸۳)

دوم: طبق ماده ۱۶۵ ق. اصول محاکمات عراق برای یکسان و برابر نمودن متهم و متشاکی، اجازه داده نمی‌شود متهم در زمان دادگاهی کردن قفل و زنجیر (دستبند و پابند) باشد، به این دلیل است تا متهم آزاد باشد و بتواند به طور کامل از خود دفاع کند و در برابر متشاکی یکسان و برابر باشد. (توسلی نایینی و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۱۳)

این اصل در کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است تا با ترافی کردن هرچه بیشتر رسیدگی در تحقیقات مقدماتی و فراهم آوردن شرایط یکسان برای طرفین، سیستم دادرسی را عادلانه سازند. میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۴ به اصول دادرسی عادلانه پرداخته است. (فخری الحدیثی، ۱۹۹۲: ۱۱۳)

حق سکوت و اجتناب از خود اتهامی یا اقرار به جرم

یکی از مصادیق حقوق دفاعی متهم، حق سکوت در مقابل تحقیقات ضابطان و مقامات قضایی راجع به اتهام وارد شده به وی است. متهم با تمسک به چنین ابزاری، از حداقل امکان برای تضمین حقوق دفاعی

خویش بهره‌مند می‌شود، بدون این که تکلیفی به همکاری با مقامات قضایی داشته باشد. اصل برائت به متهم اجازه می‌دهد تا تحمیل هر امر محدود کننده بر متهم در صورت تردید در توجه آن به وی، ممکن نباشد، مگر آن که مقام تعقیب، دلایلی را مبتنی بر تفصیر متهم را ارائه نماید. بدون این که دفاع و ادعای متهم بتواند این دلایل را مخدوش سازد. متهم در پرتو اصل برائت، در جایگاهی قرار می‌گیرد که دادستان را ملزم می‌سازد کلیه دلایل مثبت جرم علیه وی را جمع‌آوری کند و تا زمانی که این دلایل جمع‌آوری نشده و انتساب آن به متهم به اثبات نرسیده است، متهم بی‌گناه فرض می‌شود. مقتضای اصل برائت، حفظ آزادی متهم در عدم همکاری وی است تا این که در بستر آن، «توازن قوا» و تحقق «انصاف» تضمین شود. (النبراوی، ۱۹۸۶: ۱۴۲)

سکوت کردن متهم حق مهمی در دادرسی عادلانه است. اما این حق در بیانیه‌های حقوق بشر هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. ابتدا در سیستم اصولی دادگاه بین‌المللی مجازات که در ۱۷ ایلول (سپتامبر یا شهریور) سال ۱۹۹۸ به این حق اشاره نموده و این حق را در مرحله بازجویی مورد بحث قرار داده است. هر زمانی که متهم سکوت اختیار نمود نمی‌تواند اختیار و سکوت او را مدرک جرم تلقی نمود. و این امر براساس این اصل می‌باشد که متهم حق سکوت اختیار نمودن در برابر اتهامی که به او وارده شده است را دارد.

در ماده ۱۹- و دادگاه عالی مجازات عراق بیان شده است: «اجازه داده نمی‌شود که متهم به جرم اقرار کند و حق متهم است که سکوت اختیار نماید و هیچ حرفی نزنند بدون این که، سکوت او به عنوان مدرک جرم تلقی گردد.» اما متن قانون در مورد حق سکوت وجود ندارد بلکه تنها در ماده ۳۷ بیان شده است که اجازه گرفتن اقرار به جرم به زور داده نشده است. اقرار به جرم اجباری (به زور) گرفته نمی‌شود و ارزش قانونی ندارد. و طبق ماده ۱۲۶ قانون اصول محاکمات جزای عراق (صفحه ب) بیان شده است که: «دادگاه می‌تواند برای آشکار شدن حقیقت هر سؤالی را پرسد.» جوان ندادن متهم به سؤالات نباید به مدرکی علیه او تبدیل شود. قدرت هم پیمانان بعد از اشغال عراق طبق بیان نامه شماره ۳ راهکاری‌های مجازات، بخش ۴، احساس به اضافه نمودن تبصره‌هایی برای ماده ۱۲۳ قانون اصول مجازات کردند و این تبصره بیان می‌دارد: «قبل از بازجویی از متهم، بر مسئول (قاضی) بازجویی لازم است متهم را در حق سکوت برای سؤالات

دادگاه آگاه نمایند هر زمانی که متهم از این حق استفاده نمود سکوت او به مدرک جرمی برای او تبدیل نمی‌شود.» همچنین در ماده ۱۸۰ ی.س.ب.ع بیان شده است: «اگر متهم پاسخ سؤالات دادگاه را ندهد یا پاسخ‌های او خلاف پاسخ‌های قبلی باشد در این هنگام دادگاه می‌تواند پاسخ‌های قبلی را برای او قرائت کند.» (حسب الله، ۱۹۹۰: ۱۸۳).

همچنین ماده ۱۲۷ ق. اصول محاکمات عراق مقرر می‌دارد: «اجازه هیچ راهکار غیر شرعی برای ترساندن متهم برای اقرار به جرم داده نمی‌شود. مانند بد رفتاری کردن، تهدید به آزار و اذیت، ترساندن او، استفاده از مواد بیهوش کننده و نشاط آور به عنوان راهکارهای نامشروع تلقی می‌گردند.» (عبدالرزاق الحدیثی، ۱۹۹۲: ۱۶۰)

متهم باید بداند که می‌تواند به سؤالات پاسخ نگوید و سکوت او نمی‌تواند عواقب کیفری داشته باشد. این حق خصوصاً در شرایط فقدان وکیل که متهم ناآشنا با قوانین ممکن است اغفال شود یا دچار توهم و تناقض گویی گردد وسیله دفاع از متهم است. تنها حضور وکیل است که می‌تواند سخن گفتن را برای متهم موجه سازد. (مستقیمی، ۱۳۹۷؛ ص ۳۵۹).

همچنین با توجه به ماده ۵ و ۶ قانون آیین دادرسی کیفری، متهم باید در فرآیند دادرسی کیفری از حقوق خود آگاه باشد، که حق سکوت یکی از حقوق او محسوب می‌شود. در ماده ۵۲ اشاره می‌کند، از زمانی که متهم تحت نظر قرار گرفت ضابطین مکلفند حقوق متهم را به او تفهیم کنند و به صورت مکتوب به متهم تحویل دهند و رسید آن را دریافت کنند. (عبد شویس، ۱۳۶۷: ۱۵۳)

رعایت حق سکوت متهم به جهت حفظ حقوق دفاعی وی از سوی ضابطین لازم است محترم شمرده شود و همچنین ضابطان تکلیفی ندارد قبل از بازجویی، حق سکوت به متهم را اعلام و تفهیم کند، زیرا سکوت متهم مانع پیشرفت تحقیقات می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت سکوت حق متهم است. (خالقی، ۱۳۹۴، ۳۳۰)

حق داشتن مترجم

هر شخصی که تحت نظر قرار می‌گیرد و نمی‌تواند به زبانی که مقامات قضایی و غیرقضایی اعم از پلیس، ضابطین دادگستری و قاضی با آن صحبت می‌کنند، تکلم نماید و یا آن را نمی‌فهمد، حق دارد از یاری مترجم در طول مراحل پس از بازداشت به صورت مجانی برخوردار گردد؛ به نظر

می‌رسد این حق نیز جهت حفظ حقوق مظنون و متهم در مرحله تحقیقات و پس از آن می‌باشد که در صورت عجز از تکلم با پلیس و مقامات و ضابطین قضایی، بتوانند به کمک مترجم موثق اقدامات لازم را انجام داده و به دلیل عاجز بودن از تکلم، حقوق خود را از دست ندهند.

لازم است متهم از زبان و راه و روش دادگاه آگاه باشد در غیر این صورت باید از طریق مترجم این آگاهی به او داده شود. این حق در بیان نامه حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۴ (ص ۳) بیان شده و مقرر می‌دارد هر متهمی می‌بایست در زمان بوجود آمدن مشکلی به شیوه یکسان از ضمانت‌ها (لازم است مترجم بصورت رایگان در اختیار او قرار داده شود تا اگر از زبان دادگاه متوجه نشد و حرفی نزد (سکوت اختیار کند) بهره‌مند شود.

در قانون اساسی عراق نص و قانون مشخص درباره این موضوع بیان نشده است اما در ماده ۱۹-۶ بیان شده است و مقرر می‌دارد: «لازم است با هر شخصی در مکان‌های دادرسی و اداری به شیوه عادلانه برخورد شود.» به این دلیل وجود مترجم برای متهم که زبان دادگاه را متوجه شود رفتاری عادلانه است. (العکیلی و حربی، ۱۹۹۸: ۲۳)

به همین دلیل عملی کردن اصل، این موضوع بر قدرت بازجویی کننده واجب می‌کند که مترجم در دادگاه‌ها آماده نماید. و متهم را از تمام احکام و اجرائیات مطلع نماید. قانون اصول مجازات عراق متنی وجود ندارد که در مورد ضروری بودن مترجم بحث کند اما همانند یک عرف قضایی، هرگز دادگاه‌ها جلسه‌ای را برگزار نمی‌کند که متهم زبان دادگاه را متوجه نشود یا مترجم در دادگاه وجود نداشته باشد. در قانون اصول محاکمات جزای عراق برای شاهد متنی در ماده ۶۱ بیان شده مقرر می‌دارد: «اگر شاهد زبان دادگاه‌ها متوجه نشود یا کر و لال باشد در این حالت مترجم برای او انتخاب می‌شود تا زبان دادگاه را برای او ترجمه کرده و یا سخنان او را به دادگاه رسانده و او نیز زبان دادگاه را متوجه شود.»

ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان داشته است: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانت داری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست.»

از این ماده می‌توان استنباط کرد که پلیس و دیگر ضابطان نیز در مرحله پیش از ار سال پرونده به داد سرا و یا در صورت ارجاع پرونده‌ی دادسرا به مقامات پلیس، بایستی این حقوق مظنون و متهم لحاظ گردیده و در تحقیقات پلیسی هم این افراد از حقوق شان نظیر داشتن مترجم بهره‌مند گردند. (خالقی، ۱۳۸۹، ۱۱۵)

همچنین در ماده ۲۰۱ همان قانون مقرر شده است که: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلع‌ی که ناشنوا می‌باشند یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانت‌داری را رعایت کند.» (خالقی، ۱۳۹۴، ۱۱۴)

ماده ۳۶۷ و ۳۶۸ این قانون نیز دادگاه را مکلف به تعیین مترجم برای افرادی که توانایی تکلم ندارند کرده است؛ این دو ماده بیان می‌دارند: «دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به او، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند. که راستگویی و امانت‌داری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست» همچنین، دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدی که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود او را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانت‌داری را رعایت کند.»

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ردیف «ج» از بند ۱ ماده ۵۵ به بیان روشن این حق مبادرت ورزیده است. بنابراین ضرورت این حق مورد اتفاق دادگاه‌های کیفری بین‌المللی جدید است. بند و از قسمت ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در خصوص داشتن مترجم بیان می‌دارد که: «اگر زبانی را که در دادگاه تکلم می‌شود نمی‌فهمد نمی‌تواند به آن تکلم کند یک مترجم مجاناً به او کمک کند.» همچنین، قسمت ۵ از بند ۳ از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در این خصوص مقرر می‌دارد: «... هر شخصی که متهم به ارتکاب یک جرم جنایی است از حداقل حقوق ذیل برخوردار است. در صورتی که متهم نمی‌تواند زبان مورد استفاده در دادگاه را درک کرده یا آن را صحبت کند، مترجم رایگان در اختیار داشته باشد» (عبداللهی، ۱۳۹۷؛ ص ۷۶).

نتیجه گیری و پیشنهادات

قانون عراق در سال ۲۰۰۵ در ماده (۱۹-د) ق. اصول محاکمات مقرر می‌دارد: «بر دولت واجب است برای در متهمی در اتهام‌های جرم و جنحه از بودجه دولت وکیل انتخاب نماید.»

در مرحله دادگاهی کردن در ماده ۱-۱۴۴ همان ماده بیان می‌دارد: «بر ریاست دادگاه مجازات واجب است و برای متهم در مرحله دادگاهی کردن وکیل انتخاب نماید. اگر خود وکیل نداشته باشد لازم است دادگاه از بودجه دولت وکیلی برای او انتخاب نماید.»

قبلاً در ق. اصول محاکمات برای مرحله بازجویی متن قانونی که برای متهمان جرم و جنحه وکیل اختیار شود وجود نداشت.

اما بعد از اشغال عراق، هم پیمانان طبق یادداشت شماره ۳ مختص راهکارهای مجازات ماده ۱۲۳ ق. اصول محاکمات را تعدیل نمودند و دو تبصره به آن اضافه گردید. در تبصره دوم بیان می‌دارد: «لازم است در مرحله بازجویی در متهمی که وکیل نداشته باشد برای او وکیل انتخاب شود. همچنین در اقلیم کردستان از طرف پارلمان کردستان، قانون شماره ۲۲ در سال ۲۰۰۳ تصوب گردید. این قانون ماده ۱۲۳ ق. اصول محاکمات را تعدیل نموده و دادگاه‌های بازجویی کننده را پایبند نموده است اگر متهم در مرحله بازجویی در اتهامات جرم و جنحه وکیل نداشته باشد باید دادگاه بازجویی و اعترافی بدون وجود وکیل گرفته شود باطل می‌باشد.» (خلیل‌بهر، ۲۰۱۱، ۵۰۳)

همچنین قبل از تعدیل نمودن ماده ۱۲۳ ق. اصول محاکمات از سوی هم پیمانان در قانون حمایتی اقلیم کردستان به شماره ۱۷ سال ۱۹۹۹ در ماده ۳۶ مقرر شده است: «دادگاه بازجویی کننده می‌بایست رای به انتخاب وکیل برای متهمی که وکیلی برای دفاع کردن از خود در جرم و جنحه ندارد، را بدهد و هزینه آن از طریق دولت تأمین می‌شود.»

در بازجویی از نوجوانان لازم نیست که وکیل برای آنها در هنگام اقرار گرفته شود و این نقص قانون می‌باشد به این وکیل که می‌بایست بیشتر از حق نوجوانان حفاظت نموده و از آنها حمایت شود.

منابع

الف: منابع عربی

کتابها

۱. ابراهیم الفقی، عماد، (۲۰۰۸)، مسئولیت جنائی شکنجه متهم، انتشارات انجمن حقوق بشر برای کمک به زندانیان.
۲. احمد العبادی، مراد، (۲۰۰۸م)، اعتراف متهم و تأثیر آن در اثبات، مطالعه تطبیقی، چاپ اول، انتشارات دار الثقافة، امان.
۳. حسب الله، سعید، (۱۹۹۰)، شرح قانون محاکمات جزایی، انتشارات دارالحکمه، موصل، ۱۹۹۰، ص ۲۱۲.
۴. السعد المنیع، بدر (۱۹۹۲). قانون الاجراءات والمحاکمات الجزائیة والتعلیق علی نصوصه، دون مطبعة، او سنه طبع.
۵. صادق الملا، سامی، (۱۹۹۹م)، اعتراف متهم - پژوهش تطبیقی، دارالنهضة العربیه، قاهره.
۶. عبد شویش، ماهر، (۱۳۶۷ش)، شرح قانون جزا (بخش خصوصی)، انتشارات دارالکتب، دانشگاه موصل.
۷. عبدالرزاق الحدیثی، فخری، (۱۹۹۲م)، شرح قانون جزا، بخش عمومی، چاپخانه الزمان، بغداد، ۱۹۹۲م.
۸. العکیلی، عبد الامیر و سلیم ابراهیم حربی، (۱۹۹۸م) شرح اصول المحاکمات الجزائیة، ج ۱، المكتبة القانونية، بغداد.
۹. الفاروق الحسینی، عمر، (۱۹۸۶م)، شکنجه متهم برای اعتراف، انتشارات مطبعة العربیه الحدیثه.
۱۰. فخری الحدیثی، ع. ۱۹۹۲م. شرح قانون العقوبات. القسم العام. مطبعة الزمان. بغداد.
۱۱. فوزیة عبد الستار، ف. ۱۹۸۶ م. شرح قانون الإجراءات الجنائیة. دار النهضة العربیة. القاهرة.
۱۲. محمود مصطفی، محمود (۱۹۷۶م) شرح قانون الإجراءات الجنائیة، ط ۱۱، جامعة القاهرة الكتاب الجامعی، القاهرة.

۱۳. نجیب حسنی، محمود، (۱۹۹۵م) شرح قانون الاجراءات الجنائية، ط ۳، دار النهضة العربية.
۱۴. النصرای، س. ۱۹۸۶ م. دراسة في أصول المحاكمات الجزائية. ج ۱. مطبعة دار السلام. بغداد.

پایان نامه‌ها

۱. ابوطالبي، وحيد(۱۳۸۵)، تجزيه و تحليل مولفه های شناختی سيگنال الكتريكي مغز و کاربرد آن در دروغ سنجی، دانشگاه اميرکبير (دکتری).
۲. عباس الساعدي، احمد فاضل، (۲۰۰۸م)، حقوق متهم در مرحله بازجوئی مقدماتی، مطالعه تطبیقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق - دانشگاه المستنصریه،
۳. عبدالحق، خذاری، (۲۰۱۴م)، مسئولیت جنائی جرم شکنجه، بررسی تطبیقی شریعت اسلامی و قانون وضعی، پایان نامه درجه دکترای علوم شرعی و قانون، دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی و علوم اسلامی. دانشگاه حاج لخضر، باتنه، جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر

ب) منابع فارسی

کتاب‌ها

۱. توسلی نایینی، منوچهر؛ خسرو شاهی، قدرت الله؛ نصراللهی، زهره (۱۳۹۴) «اصل برابری سلاح‌ها در مرحله تحقیقات پلیسی در آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲» همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد.
۲. خالقی، علی (۱۳۸۹) آیین دادرسی کیفری، چاپ هشتم، تهران: انتشارات شهر دانش.
۳. خالقی، علی (۱۳۹۴) آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات شهر دانش.
۴. خالقی، علی (۱۳۹۴) نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران.
۵. فرخی، حمیدرضا (۱۳۹۴) حقوق کیفری و پدیده شاکیان حرفه‌ای، تهران، انتشارات مجد، چاپ پنجم.
۶. کی‌نیا، مهدی (۱۳۹۲) مبانی جرم‌شناسی، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۹) قواعد فقه بخش جزایی، نشر علوم اسلامی، چاپ سوم.

مقاله‌ها

۱. آقابابایی، حسین؛ احمدی ناطور، زهرا (۱۳۹۱)، فناوری دروغ سنجی تعدید بر علیه حریم خصوصی ۳ (۲)، ۷-۲۸.
۲. احمدزاده، محمد (۱۳۸۹) اخذ آخرین دفاع از متهم از منظر قانون، الزامی و از مقام قضائی تکلیف است، مجله دادنامه، شماره ۶.
۳. عبدالهی، افشین و گل محمدی، مصطفی (۱۳۹۷) بازرسی منازل اماکن و اشیاء و اشخاص در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۳، شماره ۸۳.
۴. مستقیمی، مسلم (۱۳۹۷) تضمین حقوق متهم در قوانین جزایی ایران، فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار، دوره دوم، شماره هفتم.

پایان‌نامه‌ها

۱. فلاح‌زاده، علی محمد (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی منع شکنجه و هتک حرمت و حیثیت در کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و موهن و قانون اساسی جمهور اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. ورپشتی، یلدا (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم شکنجه در پرتو تعامل جرم شناسی و حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

ج) منابع لاتین

1. Crowe, J. (2019). Natural Law and the Nature of Law. Cambridge University Press.
2. Dzemalet al. V. Yugoslavia, on Joseph Sarah, Jenny Schultz and Melissa Castan (2004). The international covenant on Civil and political Rights: Cases, Materials and Commentary, Oxford: Oxford University Press.
3. Elhadedy, H., LATIF, M. A., Elsonbaty, A., KADER, A. A., Liu, W., & Zhou, Q. (2019). BRIGHT AND DARK SOLITONS IN OPTICAL MATERIALS WITH POLYNOMIAL LAW NONLINEARITY. PROCEEDINGS OF THE ROMANIAN ACADEMY SERIES A-MATHEMATICS PHYSICS TECHNICAL SCIENCES INFORMATION SCIENCE, 21(1), 32-43.
4. Fox, Jonathan (2008). A World Survey of Religion and the State. Cambridge University Press, p. 238. ISBN 978-1-139-47259-3.
5. Hagan, J., Ferrales, G., & Jasso, G. (2010). Collaboration and Resistance in the Punishment of Torture in Iraq: A Judicial Sentencing Experiment. Wis. Int'l LJ, 28 ,1.
1. Teubner, G. (2019). The Law before its law: Franz Kafka on the (im) possibility of Law's self-reflection. In Critical theory and legal autopoiesis. Manchester University Press